

پیش‌بینی صمیمیت زوجین از طریق الگوهای تربیت خانوادگی (سبک‌های فرزندپروری، جهت‌گیری مذهبی، الگوهای انسانی و رسانه‌ای تربیت خانوادگی)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۵

اسماعیل پولادی^۱، اسماعیل جهانبخش^۲، اصغر محمدی^۳

چکیده

تشکیل خانواده به دلیل نیاز به پیوند روانی- عاطفی انسان‌ها که ریشه در فطرت دارد، صورت می‌گیرد. پژوهش حاضر با هدف مطالعه جامعه‌شناختی رابطه الگوهای تربیت خانوادگی با صمیمیت زوجین و به روش همبستگی انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زوجین شهرستان فراه‌بند است که طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۰۶۹۲ نفر بود. تعداد ۳۷۲ نفر از این افراد به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای برای گروه نمونه انتخاب شدند. اطلاعات متغیرهای مورد بررسی در پژوهش با کمک پرسش‌نامه مقیاس صمیمیت زوجین، پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی، پرسش‌نامه الگوی سبک فرزندپروری و پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. داده‌ها بر اساس تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین الگوهای تربیت خانوادگی زوجین و صمیمیت زوجین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و الگوهای تربیت خانوادگی زوجین پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای صمیمیت آنها در زندگی زناشویی است.

واژگان کلیدی: تربیت خانوادگی زوجین، صمیمیت زوجین، جهت‌گیری مذهبی، سبک فرزندپروری.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران.
Email: espoolady@gmail.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: esjahan@yahoo.com

۳. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران.
Email: Asghar.mo.de@gmail.com

۱. مقدمه

خانواده یکی از عمومی ترین نهادهای اجتماعی است که در تمامی جوامع وجود دارد و مهمترین پایگاه انتقال عناصر فرهنگی، عقاید، آداب، سخن، دانش ها و مهارت ها شناخته می شود؛ زیرا خانواده از سویی زمینه ساز شکوفایی استعداد و رشد جسمی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و عقلانی افراد و از سوی دیگر عامل مؤثری در ایجاد فرهنگ و تمدن بشری است. (جمشیدی، ۱۳۹۴) صاحب نظران تعلیم و تربیت، نهاد خانواده را مؤثرترین نهاد برای آموزش و پرورش غیررسمی و اولین فضای مساعد برای ایجاد عادات و مناسبات تربیتی می دانند. بنابراین، چون خانواده اولین کانونی است که فرد در آن قرار می گیرد، اهمیت شایان توجهی دارد. فرد نخستین تأثیرات محیطی را از خانواده دریافت می کند، تا جایی که حتی تأثیرپذیری فرد از سایر محیط ها می تواند نشأت گرفته از محیط خانواده باشد. خانواده پایه گذار بخش مهمی از سرنوشت انسان است و در تعیین سبک و خط مشی زندگی آینده، اخلاق، سلامت و عملکرد افراد در آینده نقش بزرگی برعهده دارد (داماس، ۲۰۱۴). عواملی همچون نقش الگویی پدر و مادر، سبکهای فرزندپروری والدین و جهت گیری مذهبی در محیط خانواده، میزان استفاده از تلویزیون و فضای مجازی در خانواده تأثیر مهمی در صمیمیت زوجین دارد. براین اساس، خانواده در جایگاه اولین نماینده جامعه که فرد سال های اولیه عمر خود را در آن می گذراند، وظیفه دارد که نوزاد وابسته، فاقد فرهنگ و لذت جو را به موجودی خودباور، با فرهنگ و مسؤولیت پذیر تبدیل کند (هالپرن، ۲۰۱۲).

جامعه شناسان خانواده را نه به مثابه یک مورد و نه یک مقوله صرفاً تاریخی، بلکه به مثابه نهادی اجتماعی می بینند که در حال پویایی است. در این رویکرد، خانواده اولین نهاد اجتماعی و عاملی مهم در انتقال ارزش ها، تربیت نسلی و در نهایت تضمین کننده جامعه سالم و متعادل است. (حیدری، ۱۳۹۲) ژان دو لامارک^۱، خانواده را مهمترین کانونی می دانند که هر زوجین از آن تغذیه می کنند و بدین ترتیب زوجین در کنار تأثیری که از نهادهای اجتماعی می گیرند، با توشه ای که از خانواده خود دریافت کرده اند، زندگی مشترک خود را نیز تحت تأثیر قرار می دهند (خادمی، ۱۳۹۲).

ارزش اصلی خانواده، حاصل شبکه روابطی است که توسط اعضای آن به وجود آمده؛ چراکه خانواده سیستم ارتباطی منحصر به فرد با روابط دوستی و کاری متفاوت است. ورود به چنین سیستم ارتباطی سازمان یافته‌ای، فقط از طریق تولد، ازدواج و یا فرزندخواندگی انجام شود. در چنین سیستمی، افراد با حلقه‌های عاطفی قدرتمند، بادوام و متقابل به یکدیگر گره خورده‌اند (ایروانی، و یوسفی، ۱۳۸۸). براین اساس، نظریه پردازان خانواده به اهمیت پیوند صمیمانه میان همسران تأکید می‌کنند و آن را برای ایجاد هویت خانوادگی مطمئن لازم می‌دانند و صمیمیت را کلید داشتن ازدواجی موفق و منبع مهم شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی می‌دانند (پلیج، ۲۰۰۵).

نتایج بسیاری از تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع الگوهای تربیت خانوادگی و مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین از جمله پژوهش‌های مدیری و رحیمی (۱۳۹۵)، زارع و صفاری (۱۳۹۴)، نوربخش و اویسی (۱۳۹۴)، احمدزاده و قاسمی (۱۳۹۲)، زرگرو محمدی (۱۳۹۱)، مصلحی و احمدی (۱۳۹۰)، کفاشی (۱۳۸۹)، چابکی (۱۳۸۹)، ایروانی و یوسفی (۱۳۸۸)، منصوریان (۱۳۸۶)، صادق مقدم، عسکری و معروفی (۱۳۸۵)، مهدوی و زارعی (۱۳۹۰)، کلاهر، مکگی، لاکنو و بارت^۱ (۲۰۱۱)، ریچموند و استوکر^۲ (۲۰۰۶) و لوکیا و برسلاتو^۳ (۲۰۰۶)، گویای رابطه الگوی تربیت خانوادگی با صمیمیت زوجین است.

با توجه به دسته بندی چهارگانه الگوهای مؤثر در تربیت خانوادگی زوجین که شامل الگوهای انسانی (پدر، مادر)، الگوی رسانه‌ای (تلوزیون و فضای مجازی)، الگوی سبک فرزندپروری (الگوی مقتدرانه، الگوی استبدادی و الگوی سبک اقتدار منطقی) و الگوی جهت‌گیری مذهبی (شامل الگوی پایبندی مذهبی و الگوی ناپایبندی مذهبی) است و رابطه این الگوها با صمیمیت زوجین، سؤالی که در مطرح می‌شود این است که کدام یک از این الگوها بیشترین تأثیر را در تربیت خانوادگی زوجین دارد.

چارچوب نظری پژوهش حاضر از نظریه‌های کنش ارتباطی هابرماس (آزادارمکی، وامامی، ۱۳۸۳)، مکتب فرانکفورت، کارکردگرایی ساختاری پارسونز، شیوه‌های فرزندپروری بامریند

1. Klahr, A. M., McGue, M. Iacono, W. G., & Burt, S. A.
2. Richmond, M. K., & Stocker, C. M.
3. Lucia, V.C. & Breslau, N.

(علی‌زاده، ۱۳۹۲)، جهت‌گیری مذهبی آلپورت (عباسی، ۱۳۹۵)، نظریه ماریپیچ سکوت لئومان (سوربن، و تانکارد، ۱۳۹۱) و نظریه کاشت گربنر (رضوی‌زاده، ۱۳۹۴) استفاده شده است.

یکی از مباحث مطرح در نظریه کنش ارتباطی هابرماس^۱، حوزه عمومی است. حوزه عمومی مورد نظر هابرماس فضایی است که در آن، افراد بتوانند به شیوه عقلانی بحث و گفتگو کنند. محیط اینترنت و فضای مجازی شرایطی را فراهم آورده است که افراد می‌توانند مسائل بسیار خصوصی خود را مطرح کنند. (آزادارمکی، و امامی، ۱۳۸۳) پس محیط اینترنت این فضا را فراهم آورده است و شرایط حوزه عمومی مورد نظر هابرماس را تا حدودی داراست. محیط تعاملی مجازی، فضایی است که کاربران به راحتی در آن گفتگو می‌کنند و فضای دوستانه‌ای را شکل می‌دهند و مسائل و مشکلات و دیدگاه‌های افراد در آن فضا به راحتی مطرح می‌شود. در یک فرایند و بازه زمانی، شخصیت افراد تحت تأثیر اینترنت و فضای مجازی واقع می‌شود که این مسئله در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک زوجین نیز اثرگذار خواهد بود (پیوزی، ۱۳۷۹).

نظریه ماریپیچ سکوت^۲ بر اهمیت تأثیرگذاری رسانه‌ها در شکل‌گیری شخصیت افراد تأکید دارد. نظریه ماریپیچ سکوت که توسط لئومان مطرح شده است، بیان می‌دارد که رسانه‌های جمعی بر افکار شخص اثر قوی دارند. در این نظریه، رسانه متغیر مستقل است و متغیر وابسته آن، افکار اشخاص می‌باشد. به همین دلیل رسانه‌هایی که هم صدا هستند، نظرات و ایده‌های خود را به صورتی ارائه می‌دهند که قالب فکری افراد جامعه همسو با محتوای تولید شده توسط آن رسانه شکل گیرد که این قالب فکری شکل گرفته توسط رسانه‌ها در زندگی مشترک زوجین نیز تأثیرگذار است. میزان تأثیرپذیری افراد از رسانه‌ها به اینکه فرد از کدام رسانه استفاده می‌کند، بستگی دارد. میزان استفاده هر یک از زوجین از تلویزیون و فضای مجازی و نوع محتوای تولید شده توسط این رسانه‌ها در چگونگی شکل‌گیری صمیمیت بین زوجین تأثیرگذار است. (سوربن، و تانکارد، ۱۳۹۱) رسانه‌ها در بلندمدت موجب تأثیرگذاری در جهان بینی و نظام ارزشی مصرف‌کنندگان خود می‌شوند و با توجه به تکرار محتواهای کیفی تولید شده توسط آنها، این محتوا با ذهن، روح و روان افراد عجین

1. Habermas
2. Spiral of silence

شده و به ویژه روابط عاطفی از جمله صمیمیت همسران را تحت تأثیر قرار خواهد داد
(رضوی زاده، ۱۳۹۴).

در دیدگاه کارکردگرایی ساختاری و نهادی، خانواده نظامی در نظر گرفته می شود که ورودی، خروجی و فرایندهای ویژه ای دارد. از نظر شلسکی^۱ هرگونه اصلاح در شخص باید از خانواده آغاز شود؛ زیرا در روند تکامل بخشیدن به نظام و مناسبات پابرجای جامعه، خانواده پیش تاز است. نظریه کارکردگرایی که متأثر از تفکرات پارسونز^۲ شکل گرفت است، بر نقش و اهمیت خانواده در جامعه پذیری افراد تأکید دارد و با توجه به نقش انکارناپذیر پدر و مادر در شکل گیری شخصیت افراد و نوع الگوهای تربیتی ارائه شده از سوی والدین، می تواند در مناسبات و رفتارهای زندگی مشترک هر یک از زوجین تأثیرگذار باشد. (اعزازی، ۱۳۸۶)

در الگوی سبک های فرزندپروری بامریند سه الگو ارائه شده است که عبارتند از:

اول) الگوی خانواده استبدادی: در این الگو والدین مایل نیستند، رفتارهای استقلال طلبانه فرزندان را تشویق کنند. والدین از فرزندان خود انتظار اطاعت داشته و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی، فرزندان را تنبیه می کنند. (علیزاده، ۱۳۹۲) در این روش، نسلی خشمگین، نگران، مضطرب، ترسو، افسرده و سرشار از احساس گناه و مبتلا به انواع آسیب های اجتماعی پرورش می یابد (باقریور، ۱۳۹۳).

دوم) الگوی خانواده رها و آزادگذار: در این الگو والدین کنترلی بر فرزندان ندارند. این والدین نسبت به رفتار کودک، گرم و پذیرا هستند و از حداقل تنبیه استفاده می کنند. (دهقانی، ۱۳۸۶) آزادی عمل، بی احترامی به والدین، خودتربیتی، بی بندوباری، لاپالی گری، سهل انگاری و خودخواهی از خصوصیات این نوع فرزندان است (فتحی، ۱۳۹۴).

سوم) الگوی خانواده اقتدار منطقی: در این الگو، والدین فرزندان را به شکل کلامی و جسمانی حمایت می کنند. این والدین از فرزندان شان با محبت و روابط نزدیک مراقبت می کنند و انتظارات شان با توانایی های فرزندان شان تناسب دارد. در این الگو، محبت در کنار قاطعیت اعمال می شود. فرزندان در چنین خانواده هایی از اعتماد به نفس و استقلال بالا برخوردارند و رفتار مثبت و غیرهیجانی دارند. (دهقانی، ۱۳۸۶)

آلپورت^۱ دو نوع جهت‌گیری نسبت به دین را مطرح می‌کند. جهت‌گیری پایبندی مذهبی و جهت‌گیری ناپایبندی مذهبی. به نظر آلپورت، شخصی که جهت‌گیری پایبندی مذهبی دارد با مذهبش زندگی می‌کند، اما شخصی که جهت‌گیری ناپایبندی مذهبی دارد، از مذهبش استفاده می‌کند. اشخاصی که جهت‌گیری پایبندی مذهبی دارند، انگیزه‌های اصلی خود را در مذهب می‌یابند. چنین اشخاصی شخصیتشان با مذهبشان یکی می‌شود. در حالی که افراد با جهت‌گیری ناپایبندی برای رسیدن به اهدافی دیگر به سمت مذهب می‌روند. (عباسی، ۱۳۹۵) با توجه به اینکه الگوهای تربیتی افراد در خانواده شکل می‌گیرد و این الگوهای تربیتی در صمیمیت زوجین تأثیر دارد (شالن، ۱۳۹۳) و همچنین هیچ کدام از پژوهش‌های صورت گرفته درباره این موضوع، نقش الگوهای تربیتی خانواده با صمیمیت زوجین را به صورت جزئی بررسی نکرده و به بررسی سهم هر یک از آنها در صمیمیت زوجین پرداخته است، انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد. براین اساس، پژوهش حاضر تلاشی است برای بررسی علمی با رویکردی جامعه‌شناختی در مورد نقش الگوهای تربیت خانوادگی در صمیمیت زوجین.

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش اجرای پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با کمک نرم افزار آماری spss ۲۱ انجام شد. آزمون فرضیه‌ها با روش ضریب همبستگی پیرسون انجام گرفت و برای پیش بینی میزان رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته صمیمیت زوجین از رگرسیون استفاده شد.

۲-۲. جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر زوجین شهرستان فراشبند بودند که براساس اطلاعات سایت مرکز آمار ایران (سرشماری ۱۳۹۵) تعداد ۱۰۶۹۲ نفر بود. تعداد ۳۷۲ نفر از این افراد با استفاده از فرمول کوکران و در نظر گرفتن حجم جامعه، سطح معنی داری، میزان خطای معنی داری و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای برای گروه نمونه انتخاب شد. واحد

1. Allport

نمونه‌گیری در این تحقیق کلیه زوجین بومی شهرستان فراشبند بود. هریک از این زوجین به صورت جداگانه پرسش‌نامه‌های مربوطه را تکمیل کردند.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسش‌نامه مقیاس صمیمیت زوجین

برای سنجش صمیمیت زوجین از پرسش‌نامه مقیاس صمیمیت زوجین که ابزاری ۱۷ سؤالی در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت است، استفاده شد. این پرسش‌نامه توسط واکرو تامپسون (۱۹۸۳) تدوین شده است. پایایی این مقیاس با ضریب آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ به دست آمده است که از همسانی درونی مناسب برخوردار است. این مقیاس توسط ثنائی (۱۳۷۹) ترجمه شده و ضریب پایایی آن در پژوهش دغاغله (۱۳۹۱) ۰/۹۶ به دست آمد. نعیم (۱۳۸۷) نیز برای تعیین پایایی مقیاس صمیمیت زوجین از روش آلفای کرونباخ استفاده کرد که برابر ۰/۹۶ است و بیانگر پایایی مطلوب این مقیاس است. (دغاغله، ۱۳۹۱) رشیدزاده (۱۳۹۰) و شیرالی‌نیا (۱۳۹۱) در پژوهش‌های خود، روایی آن را تأیید نموده‌اند. برای بررسی روایی همزمان پرسش‌نامه صمیمیت زوجین از مقیاس صمیمیت واکرو تامپسون (۱۹۸۳) استفاده شد.

۲-۳-۲. پرسش‌نامه سبک فرزندپروری

برای سنجش الگوهای سبک فرزندپروری از پرسش‌نامه سبک فرزندپروری بامرایند (۱۹۷۱) که دارای ۳۰ گویه با سه سبک فرزندپروری استبدادی، سهل‌گیرانه و اقتدار منطقی است، استفاده شد. این پرسش‌نامه در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است. بامرایند میزان پایایی این پرسش‌نامه را برای الگوی سهل‌گیرانه ۰/۸۱، استبدادی ۰/۸۵ و الگوی اقتدار منطقی ۰/۹۲ گزارش کرده است. اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی این پرسش‌نامه را ترجمه کرد و در تحقیق خود پایایی الگوی سهل‌گیرانه را ۰/۶۹، استبدادی، ۰/۷۷ و الگوی اقتدار منطقی را ۰/۷۳ گزارش نمود و روایی صوری آن را تأیید کرد. (باقرپور، ۱۳۹۳)

۲-۳-۳. پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی

برای سنجش جهت‌گیری مذهبی، پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی جان بزرگی (۱۳۸۸) استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۳۹ سؤال است که دو مؤلفه پایبندی مذهبی و ناپایبندی مذهبی را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت می‌سنجد. پایایی هریک از مقیاس‌های

پایبندی مذهبی و ناپایبندی مذهبی به ترتیب ۰/۸۷۸ و ۰/۷۲۸ و میانگین پایایی همه خرده مقیاس ها ۰/۷۳۶ است. (شناگویی زاده، و جان بزرگی، ۱۳۹۰)

۲-۳-۴. پرسش نامه محقق ساخته الگوهای انسانی و رسانه ای تربیت خانواده

برای سنجش نقش الگوهای انسانی و رسانه ای، از پرسش نامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسش نامه شامل ۶ گویه با ضریب آلفای ۰/۷۳ برای سنجش نقش پدر در جایگاه الگوی انسانی در تربیت خانوادگی؛ ۴ گویه با ضریب آلفای ۰/۸۱ برای سنجش نقش مادر در جایگاه دیگر الگوی انسانی در تربیت خانوادگی؛ ۴ گویه با ضریب آلفای ۰/۷۶ برای سنجش نقش الگوهای رسانه ای تلویزیون و ۶ گویه با ضریب آلفای ۰/۷۱ برای سنجش نقش الگوی رسانه ای فضای مجازی است. این پرسش نامه در طیف ۵ درجه ای لیکرت ساخته شد. برای تعیین روایی پرسش نامه از نظر چند تن از اساتید جامعه شناسی استفاده شد و نکات اصلاحی آنها در پرسش نامه لحاظ گردید.

۳. یافته های پژوهش

جدول ۱

شاخص توصیفی صمیمیت زوجین

انحراف استاندارد	میانگین	بیشینه	کمینه	
۴/۸۱۳	۸۱/۱۸	۸۵	۶۱	صمیمیت زوجین
۱۲/۱۵۳	۹۸/۰۴	۱۵۰	۷۸	سبک فرزند پروری
۵/۵۹	۲۷/۷	۵۰	۱۸	سهل گیرانه
۷/۱	۲۶/۲	۵۰	۱۱	استبدادی
۳/۸۶	۴۴	۵۰	۳۳	اقتدار منطقی
۱۵/۳۸۴	۱۵۷/۵	۱۸۳	۱۰۱	جهت گیری مذهبی
۸/۵۱۴	۹۸/۱۲	۱۱۰	۶۶	پایبندی مذهبی
۱۲/۸۱۸	۵۹	۷۹	۱۷	ناپایبندی مذهبی
۲/۴۹	۲۵/۴	۳۰	۸	نقش الگویی پدر
۱/۵۲	۱۶/۷	۱۸	۶	نقش الگویی مادر
۱/۳۸	۱۴/۲	۱۶	۵	نقش الگویی تلویزیون
۱/۴۶	۱۵/۳	۲۰	۶	نقش الگویی فضای مجازی

جدول ۱ یافته های توصیفی پژوهش را نشان می دهد که تعداد پاسخگویان، کمینه و بیشینه نمرات، میانگین و انحراف استاندارد نمره های به دست آمده در این جدول بیان شده است.

جدول ۲

ضریب همبستگی پیرسون بین الگوهای تربیت خانوادگی و صمیمیت زوجین

صمیمیت زوجین	تعداد	سطح معنی داری (sig)
نقش الگویی پدر	۳۷۲	۰/۰۰۰
نقش الگویی مادر	۳۷۲	۰/۰۲۹
تلویزیون	۳۷۲	۰/۰۰۰
فضای مجازی	۳۷۲	۰/۰۰۲
جهت‌گیری مذهبی زوجین	۳۷۲	۰/۰۰۰
سبک فرزند پروری	۳۷۲	۰/۰۰۰

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به جدول ۲ نتایج آزمون همبستگی بیانگر رابطه مثبت و معنادار جهت‌گیری مذهبی، الگوی سبک فرزند پروری، فضای مجازی، تلویزیون، پدر و مادر با صمیمیت زوجین است.

جدول ۳

مقدار ضریب همبستگی و ضریب تعیین الگوهای تأثیرگذار تربیت خانوادگی بر صمیمیت زوجین

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R Square	ضریب تعیین تعدیل شده Adjusted R Square	خطای برآورد انحراف استاندارد Std. Error of the estimate
۱	۰/۴۱۴	۰/۱۷۱	۰/۱۶۹	۴/۴۰۵۹۷

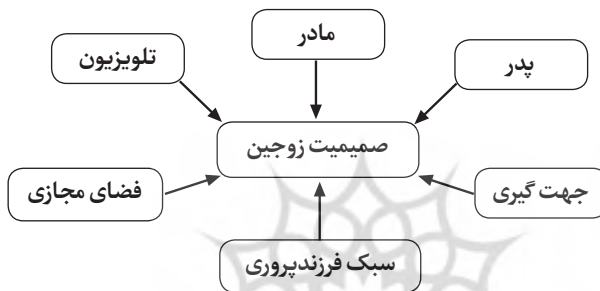
برای پیش‌بینی صمیمیت زوجین بر اساس متغیر الگوهای تأثیرگذار تربیت خانوادگی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. با توجه به جدول ۳، ۱۷٪ واریانس متغیر ملاک توسط متغیرهای پیش‌بین، قابل پیش‌بینی است.

جدول ۴

ضرایب رگرسیون متغیرهای الگوهای تربیت خانوادگی با صمیمیت زوجین

ضریب B	خطای انحراف استاندارد	ضریب بتا	آماره T	سطح معناداری
ثابت	۴۱/۲۷۶	۰	۹/۹۸۷	۰/۰۰۰
الگوهای سبک فرزند پروری	۰/۱۴۰	۰/۳۴۷	۶/۸۱۱	۰/۰۰۰
الگوی جهت‌گیری مذهبی	۰/۰۸۴	۰/۲۶۸	۵/۲۲۱	۰/۰۰۰
پدر	۰/۱۶۷	۰/۱۲۱	۲/۲۶۸	۰/۰۲۴
مادر	۰/۱۹۷	۰/۰۹۵	۱/۷۳۸	۰/۰۸۳
تلویزیون	۰/۱۹۹	۰/۰۹۶	۱/۹۰۲	۰/۰۵۸
اینترنت	۰/۱۳۰	۰/۰۹۴	۱/۸۲۸	۰/۰۶۸

متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون که هسته اصلی تحلیل رگرسیون بود، در جدول ۴ آمده است. با توجه به سطح معنی داری متغیرهای الگوهای تربیت خانوادگی هر یک از زوجین که کمتر از خطای مفروض در پژوهش (۰/۰۵) است، متغیرهای الگوهای تربیت خانوادگی در مدل معنادار شد. از بین الگوهای تربیت خانوادگی هر یک از زوجین، به ترتیب الگوهای سبک فرزندپروری، الگوی جهت‌گیری مذهبی، نقش الگوی تربیتی پدر، نقش تلویزیون، نقش الگوی تربیتی مادر و نقش اینترنت دارای بیشترین پیش بین متغیر وابسته صمیمیت زوجین بود.



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

۴. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین الگوهای تربیت خانوادگی با صمیمیت زوجین رابطه معنادار وجود دارد. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که رابطه معنی دار و مستقیمی بین متغیرهای مستقل نقش الگوهای تربیتی پدر، مادر، تلویزیون و میزان استفاده از فضای مجازی و همچنین متغیر جهت‌گیری مذهبی و متغیر الگوهای سبک فرزندپروری با متغیر وابسته صمیمیت زوجین وجود دارد.

در فرضیه مربوط به رابطه الگوی تربیتی پدر و مادر با صمیمیت زوجین، با توجه به نتایج آزمون، الگوی تربیتی پدر و مادر رابطه مثبت و مستقیمی با صمیمیت زوجین داشت؛ یعنی میزان تأثیرگذاری پدر و مادر به عنوان الگوهای تربیتی هر یک از زوجین، نقشی تأثیرگذار در صمیمیت زندگی مشترک آنان دارد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات

مهدوی و زارعی (۱۳۹۰)، دکویک، ویسینک و میچرا^۱ (۲۰۰۴) همسو است. در تبیین این نتیجه می توان گفت که بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، پارسونز معتقد است که تثبیت شخصیت و میزان صمیمیتی که زوجین با هم دارند، از نقش پدر و مادر ناشی می شود. در خلال تثبیت شخصیت، پدر و مادر می توانند از راه بازی و تعامل با فرزندان خود به دوران کودکی برگردند و به این ترتیب، تنش ها را رفع نمایند. پارسونز بر این باور است که هر خانواده باید دختران را طوری آموزش دهد که مادران و همسران ایده آل و مناسبی شوند، چنانکه جامعه پذیری پسران در خانواده باید به گونه ای باشد که پدران و شوهران ایده آلی در آینده باشند (آماس^۲، ۲۰۱۲).

در فرضیه مربوط به رابطه استفاده از تلویزیون با صمیمیت زوجین، با توجه به نتایج آزمون، میزان استفاده از تلویزیون رابطه مثبت و مستقیمی با صمیمیت زوجین داشت. این نتیجه با نتایج تحقیقات آزاد مرزآبادی (۱۳۸۷) همسو است. در تبیین این نتیجه و بر اساس نظریه کاشت می توان گفت که تلویزیون، اثرات غیرمستقیم، تدریجی و بلندمدت، اما افزایشی و چشمگیر بر مخاطبان دارد و تأثیری عمیق بر نگرش ها، باورها و قضاوت های بینندگان می گذارد. نظریه کاشت یکی از اشکال رسانه ها در سطح شناختی است و مربوط به این موضوع است که قرار گرفتن در معرض رسانه ها تا چه میزان می تواند به باورها و تلقی مخاطب از واقعیت شکل دهد. گربنر معتقد است که تلویزیون به دلیل نفوذ قابل ملاحظه اش بر مخاطب، نیروی فرهنگی قدرتمندی است که افکار و آگاهی ها را به انحصار درآورده است (رضوی زاده، ۱۳۹۴).

در فرضیه مربوط به رابطه استفاده از فضای مجازی با صمیمیت زوجین، با توجه به نتایج آزمون، میزان استفاده از فضای مجازی رابطه مثبت و مستقیمی با صمیمیت زوجین داشت؛ یعنی بین استفاده از فضای مجازی و اینترنت با صمیمیت زوجین رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات احمدزاده و قاسمی (۱۳۹۲)، آقابابایی (۱۳۹۵) و کفاشی (۱۳۸۹) همسو است.

در تبیین این نتیجه و بر اساس نظریات هابرماس، حوزه عمومی، فضایی است که افراد

1. Dekovic, M., Wissink, I. B. & Meijer, A. M.
2. Amass, L.

به شیوه عقلایی می‌توانند با هم گفتگو کنند و در این گفتگو به توافق برسند (آزادارمکی، و امامی، ۱۳۸۳). بنابراین، محیط اینترنت این فضا را فراهم کرده است و شرایط حوزه عمومی مورد نظر هابرماس را داراست. حوزه عمومی هابرماس عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند و کنش ارتباطی از طریق گفتگو تحقق می‌یابد. (استیون، ۱۳۸۰) بنابراین، به میزان استفاده افراد از فضای مجازی و اینترنت و نوع تأثیرپذیری که افراد از این محیط دارند، می‌تواند در صمیمیت زوجین تأثیرگذار باشد.

همچنین مطابق نتایج پژوهش جهت‌گیری مذهبی با صمیمیت زوجین رابطه مثبت و مستقیمی داشت. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات مصلحی و احمدی (۱۳۹۰)، حاجی‌زاده و میمندی (۱۳۸۹) و سعیدی مقدم (۱۳۹۴) همسو است. براساس نظریه جهت‌گیری مذهبی گوردن آلپورت، دین‌داری، فلسفه‌ای از زندگی به فرد ارائه می‌دهد که نه فقط ماهیتی عقلانی دارد، بلکه از نظر احساسی هم، ارضاکننده است. آلپورت معتقد است که اماکن مذهبی، محل مناسبی برای شکل‌گیری روابط خوب اجتماعی است. نظریه آلپورت در زمینه جهت‌گیری مذهبی به دو مقوله اجتماعی و شخصی بسط یافته است (کاسلا، ۲۰۰۱).

در پژوهش حاضر، سبک فرزندپروری با صمیمیت زوجین، رابطه مثبت و مستقیمی داشت. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات نوربخش و اویسی (۱۳۹۴) همسو است. بنابراین، در تبیین این فرضیه و براساس نظریه الگوهای سبک فرزندپروری بامریند، فرزندپروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارند. در واقع، پایه و اساس شیوه فرزندپروری، مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است. بامریند معتقد است که فرزندان باید شایستگی‌های متعدد اجتماعی و شناختی را کسب کنند، پس لازم است والدین فرصت‌های یادگیری مناسب را برای آنان فراهم کنند. بامریند سه الگوی سبک فرزندپروری ارائه می‌دهد: الگوی سبک استبدادی، الگوی سبک مقتدرانه و الگوی سبک اقتدار منطقی. عدم وجود پژوهش علمی که با موضوع مورد بحث ارتباط مستقیم داشته باشد از مهمترین محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. پیشنهاد می‌شود برای دست یافتن به نتایج قابل تعمیم، این پژوهش

بر روی گروه‌های دیگر افراد جامعه نیز اجرا شود. فرهنگ جامعه ما بر پایه دین اسلام بنا شده و مکتب اسلام قلمرو وسیعی از آموزه‌های تربیتی را ارائه نموده است که حتی دوران قبل از تولد افراد را هم شامل می‌شود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی به منظور بررسی تأثیر الگوهای تربیت اسلامی بر صمیمیت زوجین انجام شود.

فهرست منابع

۱. آقا بابایی، عزیزاله (۱۳۹۵). مطالعه عوامل مؤثر بر استفاده جوانان از اینترنت. نشریه جهانی رسانه، ۶، ۱۷.
۲. احمدزاده کرمانی، روح‌اله، و قاسمی، طیبه (۱۳۹۲). بررسی نقش اینترنت بر ارزش‌های خانواده. نشریه مطالعات رسانه‌ای، ۲۳(۸)، ۵۱-۷۳.
۳. ایروانی، محمدرضا، و یوسفی، سلیمه (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و بحران هویت نوجوانان خمینی شهر. نشریه جامعه‌شناسی، ۱۴(۱)، ۱۴۱-۱۶۱.
۴. آزاد مرزآبادی، اسفندیار (۱۳۸۷). بررسی رابطه نظام ارزش خانواده با ارزش‌های نوجوانان. نشریه علوم رفتاری، ۲، ۱۱۷-۱۲۵.
۵. آزاد ارمکی، تقی، و امامی، یحیی (۱۳۸۳). تکوین حوزه عمومی و گفتگوی عقلانی. نشریه جامعه‌شناسی ایران، ۵۸(۵)، ۸۹-۵۸.
۶. استیون، رایث (۱۳۸۰). خرد، عدالت و نوگرایی. مترجم: حریری اکبری، محمد. تهران: قطره.
۷. اعزازی، شهلا (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات.
۸. اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. انستیتوی تحقیقات روان پزشکی تهران.
۹. باقرپور، صغری (۱۳۹۳). رابطه الگوهای فرزندپروری با میزان سلامت روانی و موفقیت تحصیلی. نشریه علوم رفتاری، ۱۱(۱)، ۳۳-۴۰.
۱۰. پیوزی، مایکل (۱۳۷۹). بیورگنها بر ماس. مترجم: توین، احمد. تهران: هرمس.
۱۱. ثناگوی زاده، محمد، و جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۰). رابطه رضامندی زناشویی و پایبندی مذهبی با الگوهای ارتباطی زوجین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی دانشگاه علم و فرهنگ.
۱۲. حیدری، مجتبی (۱۳۹۲). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضامندی از زندگی زناشویی در خانواده‌های معلمان مرد شهرستان قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
۱۳. حاجی‌زاده میمنندی، مسعود (۱۳۸۹). همگامی مشترک در خانواده و دین‌داری جوانان شهر یزد. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳(۳)، ۲۳-۶۴.
۱۴. خادمی، عین‌اله (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر در درونی‌کردن ارزش‌های اسلامی در دانش‌آموزان تهران. تهران: انتشارات اداره کل آموزش و پرورش.
۱۵. جمشیدی، بهنام (۱۳۹۴). ساختمان خانواده و خویشاوندی در ایران. تهران: انتشارات حبیبی.
۱۶. چابکی، سید عزیز (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کارایی خانواده و سلامت عمومی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر یاسوج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۱۷. دهقانی، یوسف (۱۳۸۶). نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در کم‌رویی دانش‌آموزان دبیرستانی. نشریه روان‌شناسی معاصر، ۲(۲)، ۲۱-۳۰.
۱۸. داغله، فاطمه (۱۳۹۱). رابطه بخشودگی، عشق، صمیمیت با رضایت زناشویی. نشریه یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۲۴، ۵۷-۶۹.
۱۹. رضوی زاده، نورالدین (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها به سبک زندگی ساکنان تهران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۲۰. رشیدزاده، لیلا (۱۳۹۰). اثربخشی درمان شناختی- رفتاری بر رضایت و صمیمیت زناشویی زوجین جانباز

- شیمیایی. نشریه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۶(۲۴)، ۱-۱۸.
۲۱. زارع، بیژن، و صفاری، هاجر (۱۳۹۴). بررسی رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران. نشریه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱(۱۱۱)، ۱-۱۴.
۲۲. زرگر، بداله، و محمدی، راضیه (۱۳۹۱). بررسی فرآیندهای خانواده به عنوان پیش‌بین‌های مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان‌های شهر یاسوج. نشریه روان‌شناسی مدرسه، ۱۲(۱)، ۷۷-۱۰۳.
۲۳. سعیدی مقدم، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ساخت تربیتی و مذهبی خانواده با ارزش‌های اخلاقی نوجوانان تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
۲۴. سورین، ورترو، و تانگارد، جیفر (۱۳۹۱). نظریه‌های ارتباطات. مترجم: دهقانی، علیرضا. تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. شالن، مارتین (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. مترجم: الیاسی، حمید. تهران: نشر مرکز.
۲۶. شیرالی‌نیا، خدیجه (۱۳۹۱). اثربخشی زوج‌درمانی شناختی رفتاری پیشرفته و زوج‌درمانی متمرکز بر هیجان و کاهش افسردگی، تنظیم هیجانی و صمیمیت ارتباطی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز. پایان‌نامه دکتری تخصصی مشاوره. دانشگاه شهید چمران اهواز.
۲۷. صادق مقدم، لیلیا، عسکری، فریبا، و معروفی، پرویز (۱۳۸۵). میزان رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه‌دار و همسران آنها در شهر گناباد. نشریه افق دانش، ۲(۱۲)، ۴۵-۵۰.
۲۸. عباسی، رضوان (۱۳۹۵). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و شادکامی در دانشجویان دانشگاه پیام‌نور. اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر. قم.
۲۹. علیزاده، فاطمه (۱۳۹۲). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و تنبیدگی والدینی در والدین دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تبریز.
۳۰. فتحی، سروش، و نوابخش، مهرداد (۱۳۹۴). شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان. نشریه پژوهشی دینی، ۲۲، ۳۳-۶۴.
۳۱. کفاشی، مجید (۱۳۸۹). بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. نشریه پژوهش اجتماعی، ۳(۲)، ۷۶-۵۵.
۳۲. مدیری، فاطمه، و رحیمی، علی (۱۳۹۵). اشتغال زنان از زناشویی و گرایش به طلاق. نشریه زن دوتوسعه و سیاست، ۴(۱۴)، ۴۵۱-۴۵۷.
۳۳. مصلحی، جواد، و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۰). نقش زندگی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین. نشریه روان‌شناسی و دین، ۲(۶)، ۷۸-۹۴.
۳۴. مهدوی، محمدصادق، و زارعی، امین (۱۳۹۰). عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان به ارزش‌های اخلاقی. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۱۲(۱)، ۱-۲۲.
۳۵. منصوریان، فدایی (۱۳۷۸). تحلیل جامعه‌شناختی تعارضات همسران در خانواده‌های شهر شیراز. نشریه تحقیقات زنان، ۱۱(۲)، ۷۵-۱۱۳.
۳۶. نوربخش، یونس، و اوویسی، فردوسی (۱۳۹۴). دین‌داری و الگوی تربیتی خانواده. نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۷)، ۲۸۳-۳۱۴.
37. Amass, L. (2012). Predictors of internalizing and externalizing problems among children of cocaine and opiate dependent parents. *Drug and alcohol dependence*, 66 (2), 199-212.
38. Damas, E. j. (2014). Latent model of family process in African American families: Relationships to child competence achievement, and problem behavior. *Journal of marriage and family*, 63, 967-998.
39. Dekovic, M., Wissink, I. B. & Meijer, A. M. (2004). The role of family and peer relations in adolescent antisocial behaviour: comparison of four ethnic groups. *Journal of adolescence*, 27 (5), 497-514.
40. Halpern, E. (2012). Family psychology from an israeli perspective. *American psychologist*, 56, 58-64.
41. Klahr, A. M., McGue, M. Iacono, W. G., & Burt, S. A (2011). The association between parent-child conflict and adolescent conduct problems over time. Results

- from a longitudinal adoption study .*journal of abnormal psychology*,120 (1), 45-56.
42. Kaslow, F. w. (2001). Families and Family psychology at the millennium: intersecting cross roads. *American psychologist*, 56, 37-45.
 43. Lucia, V.C. & Breslau, N. (2006). family cohesion and children's behaviour problems. *A longitudinal investigation psychiatry research* , 141 (2), 141-149.
 44. Pielage, s. (2005). Adult attachment intimacy and psychological distress in a clinical and community sample. *clinical psychology and psychotherapy*, 12, 455 -464.
 45. Richmond, M. K., & Stocker , C. M. (2006). Associations Between family cohesion and Adolescents' Externalizing Behavior .*Journal of family psychology*, 20 (4), 663-669.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی